

# ایمان و عقل

آدام میچنیک



شوشکا کادوسکا، کتابخانه مطالعات فرهنگی

## در جست‌وجوی «خیر»

یک فرد مسیحی، ممکن است عقل‌گرای غیرمذهبی را هم‌اوردجو بیابد. ممکن است برای او این هم‌اوردجویی تهدیدآمیز نباشد بلکه رقابتی باشد شرافت‌مندانه در جست‌وجوی «خیر»، «خیری» که می‌تواند وسیله «تزکیه» باورهای مذهبی و فلسفی او قرار گیرد. البته همه چیز بسته به آن است که بحث در فضایی از احترام متقابل صورت گیرد یا اینکه به گردبادی از جنگ مذهبی بدل شود.

ایمان به جهانی بدون خدا که تنها عقلی روشن‌گر آن را هدایت کند، جهانی عاری از مذهب و برنامه‌ریزی شده در آزمایشگاه، مانند ایمان به آرمانشهر، خطرناک است، زیرا تاکنون هیچ تجربه تاریخی‌ای بر این باور صحنه نگذاشته است. دنیوی و غیرمذهبی کردن، نقش مذهب را تغییر می‌دهد اما نیاز به آن را از بین نمی‌برد.

در نظر فرد عقل‌گرا، جهان‌بینی کاتولیک انسان را درمانده، اسیر احساس گناه و تحت اختیار خدایی مقتدر

گروه بی‌شماری از مردم از قرن ۱۷ میلادی به این سو، هر سال در مراسم زیارت چستو خووا در لهستان شرکت می‌کنند.

## همزیستی عقل‌گرایی غیرمذهبی و مذهب، تاں چل

### ضامن آزادی و دموکراسی است

من این جمله فردی عقل‌گرا را که خطاب به اسقفی کاتولیک می‌گوید: Non serviam (من در خدمت

شما نخواهم بود) درک می‌کنم.

من با هر انسان عقل‌گرایی احساس نزدیکی می‌کنم. هنگامی که با او به بحث می‌پردازم گویی با بخشی از خویشتم به مباحثه می‌نشینم و با قسمتی از زندگی‌نامه خود رو به‌رو می‌شوم. من شوق او را برای آزادی احساس می‌کنم، شوقی که انسان را به ناخدای هستی، هم‌کشتی‌بان و هم‌کشتی، بدل می‌سازد. من ناسازگاری او را با هرآنکه در پی محدود کردن آزادی‌اش باشد، درمی‌یابم.

من او را درک می‌کنم، اما به بحث با او نیز ادامه می‌دهم.

## بنیادگرایان و علم

### فوزیه شرفی

در مؤسسات علمی و دانشکده‌های مهندسی بسیاری از کشورهای عربی، دانشجویان بنیادگرا در اکثریت هستند. این موضوع چندان تعجب‌آور نیست، زیرا علوم دقیق را با سهولتی بیش از علوم انسانی می‌توان از فرهنگی که خاستگاه آنها بوده است، جدا کرد.

چگونه می‌توان طرد ارزش‌های غربی را با پذیرش ناگزیر انقلاب‌های علمی که خاستگاهشان غرب است، سازگار کرد؟ از طریق محدود کردن علوم به دستاوردهای فنی و ترجیح تکنیک - که چندان جایی برای تردید باقی نمی‌گذارد - بر علم و استفاده ماهرانه از تکنیک. به‌طور مثال، رهبران بنیادگرایان الجزایر در ۱۹۹۱ هنگام یک گردهمایی انتخاباتی از تکنیک لیزر برای ترسیم جمله «الله اکبر» در آسمان استفاده کردند. جزم‌گرایان نیز تنها چیزی را می‌پذیرند که تفسیر آنان از متون مذهبی را دست‌خوش مخاطره نکند. برای نمونه، اکنون که در آستانه قرن بیست و یکم میلادی قرار داریم به دشواری می‌توان از پذیرش پیشرفت‌های فیزیک و زیست‌شناسی سرباز زد. اما می‌توان از پیشرفت‌های زیست‌شناسی فقط به دستاوردهای پزشکی قناعت کرد: نظریه تکامل انواع، نیازی به آموزش ندارد. آنان از پیشرفت‌های علم فیزیک در زمینه ابزارهای ارتباطی بسیار خشنودند اما رقم ثابت سرعت نور خاطرشان را آزرده می‌سازد. در بعضی کشورهای اسلامی که اکنون آزادی اندیشه حتی به نسبت قرون وسطا محدودتر است، معرفت علمی و پیشرفت علمی و فرهنگی غالباً به بهانه احترام به مقدسات با موانع جدی روبرو است. ■

فوزیه شرفی،

فیزیکدان و استاد دانشکده علوم در دانشگاه تونس است.

اما این سؤال همچنان باقی است: از این آزادی چگونه باید استفاده کرد؟ این سخن پاپ ژان پل دوم که «آزادی به معنای نسبت در اخلاق نیست» بسیار جای تأمل دارد. آیا ما به نهادی نیاز نداریم که ضمن تسلیم نشدن به آخرین مُد و موقعیت‌های گوناگون، به‌طور مدام مفاهیم ثابت خیر و شر را به ما یادآوری کند؟

من از جهانی که عقل‌گرایی بی‌حد و مرز و فرهنگی لامذهب بر آن حکم برانند، می‌هراسم. چنین جهانی فاقد اخلاق و فاقد فرهنگ خواهد بود. نگرانی من همچنین از منطلق جنگ سرد مذهبی است که افراطیون هر دو طرف در تحمیل آن می‌کوشند.

### آزادی انتخاب راه

می‌توان بدون عبادت کردن، نیاز به عبادتگاه‌ها را درک کرد. می‌توان بدون شبان زیست اما از حق داشتن شبان و آموزگار دفاع کرد. با اندکی تلاش می‌توان در ورای سخنان و نهادها،

شبان صالح  
(کننده کاری ایتالیایی  
حدود ۱۸۰۰).



می‌خواهد. اما من طور دیگری فکر می‌کنم: در جهان‌بینی کاتولیک، خدا به انسان چنان عزت نفسی بخشیده است که به وی اجازه زانو زدن را نمی‌دهد مگر در برابر خدا. برخی برای توبه کردن به اتاقک اعتراف کلیسا می‌روند و برخی به جاهای دیگر. اما باید حق انتخاب را برای هم‌نوع خود محفوظ شمرد: اتاقک اعتراف تنها یکی از مکان‌هایی است که برای ابراز ندامت‌های وجدان انسان انتخاب می‌شود؛ آنچه همه انسان‌ها به آن نیاز دارند فقط ابراز ندامت است.

در نظر انسان عقل‌گرا، داستان شبان و رمه‌اش بیانگر چشم‌پوشی آگاهانه فرد کاتولیک از آزادی است. اما من طور دیگری فکر می‌کنم: فرد کاتولیک می‌داند که انسان در پیروی از خدا و فرمان‌هایش مختار است. به این دلیل او باید همیشه در برابر دو گزینه آزادی و بردگی، آزادی را انتخاب کند.

دیگر آن، چهرهٔ پرهیزگارانهاش را، هنگامی نشان داد که عقل در پی آشتی با واقعیتی بود که ظاهراً غیرقابل تغییر می‌نمود. حفظ خاطرهٔ صلیب مردم را به مبارزه با بردگی فرا خواند. این یادآوری منبعی بود برای شجاعت و خرد باطنی. بنابراین می‌توان به خردگرایی غیرمذهبی و کاتولیک چنین توصیه کرد: تا آنجا که می‌توانی از خود متوقع باش؛ تا آنجا که می‌توانی در مورد دیگران گذشت نشان ده. یک دنیای سرسپرده به مذهب و یک دنیای کاملاً عقلگرا و غیرمذهبی دوروی یک آرمان‌شهر هستند. هر کوششی که برای تحقق این آرمان‌شهر صورت گرفته، به افزایش تضادها و گناهان انجامیده است. گناه و دفاع از مقدسات بخشی از تجربه‌های انسانی‌اند. و به همین ترتیب پوچی و دفاع از خرد نیز چنین‌اند.

## از بربریت تا تحمل آرای دیگران

کنعان مکیه

در آن زمان برخی مناطق اروپا دستخوش هرج و مرج و بربریت بود. جنگ‌های مذهبی کوچک و بزرگ در گوشه و کنار این قاره بیداد می‌کرد. کشور آلمان نیمی از جمعیت خود را در این جنگ‌ها از دست داد. بخش‌های وسیعی ویران شدند، روستاها مورد چپاول قرار گرفتند و ساکنان آنها به قتل رسیدند. به عقیدهٔ برخی مورخان هنوز می‌توان عواقب این جنگ‌ها را در فرهنگ و سیاست آلمان معاصر باز یافت. هر چند در قرن هفدهم مذهب ایدئولوژی اصلی بود اما کوشش‌هایی که برای از بین بردن تفرقه‌های مذهبی صورت می‌گرفت به نتیجه نمی‌رسید و همواره مردم، هزار هزار، تحت عنوان کاتولیک یا پروتستان به قتل می‌رسیدند.

آیا می‌توان هم‌آواز با برخی گفت که این تعصب‌ورزی ویرانگر خود مبشر عصری نو بود و جامعهٔ بشری بدین شیوهٔ طاقت‌فرسا درس سخت تساهل را می‌آموخت؟ نه کاملاً. زیرا جنگ‌های ملی خیلی زود جایگزین جنگ‌های مذهبی شد و چندی بعد تعارضات عقیدتی نیز قارهٔ اروپا را فرا گرفت. در همین حال، عدم تساهل و نابردباری چهرهٔ عوض می‌کرد و این حائز اهمیت است. برای مثال، برخی از انواع بی‌رحمی و مجازات رواج یافت. و گرچه زمانه بهتر نشد و دوران بی‌رحمی و شقاوت به پایان نرسید، اما بی‌گمان اندیشه‌ای والا در میان مردم بالیدن گرفته بود.

کنعان مکیه،

نویسندهٔ عراقی‌الاصول، که در مرکز مطالعات خاورمیانه در دانشگاه هاروارد (امریکا) به کار استادیاری اشتغال دارد.



اشخاصی لایق احترام را یافت که معتقدند مسیح، موهبت ایمان را به ایشان ارزانی داشته و آنها را به حیاتی مسئولانه و رحیمانه فرا خوانده است. حیاتی سرشار از کرامت و امید.

### در آستانهٔ جنون همگانی

در این دنیایی که به طرز خطرناکی به آستانهٔ جنون همگانی نزدیک می‌شود، به نظر من مذهب و خردگرایی دنیایی می‌توانند زندگی مسالمت‌آمیزی با هم داشته باشند. تضاد بین اصول‌گرایی مذهبی و هیچ‌گرایی غیرمذهبی می‌تواند به نوعی صلح فراگیر تبدیل شود. عقل می‌تواند در مقابل آموزه‌های سیاسی، که به نام همبستگی قومی، اجتماعی و مذهبی، خواستار اطاعت مطلق است، نقشی تضمین‌کننده برعهده گیرد. همین به نوبهٔ خود، به صورت منبع لایزال مقاومت در برابر عوام‌فریبان سیاسی، و نه کتاب مقدس، درخواهد آمد. تجربهٔ اقتدارگرایی اهمیت بی‌چون و چرای کلیسا را آشکار ساخته است. موضع‌گیری کلیسا در آن دوران چهرهٔ

آدام میچنیک، Adam Michnik

اهل لهستان، سردبیر گازتای پورچا، پرتیرازترین روزنامهٔ کشورش است. برخی از کتاب‌های او عبارت‌اند از:

The Church and the Left (1997).  
Polish Question (1987).